

16 آذر و ضرورت آترناتيو چپ

شاهو رستگاري
نشریه دانشجویی خاک

16 آذر هر سال در تاريخ جنبش دانشجويي بزنگاهي است که مطالبات آزادي خواهانه دانشجويان در مقابل کليت استبداد به صورت هر چه عيان تر در اشکال مشخص تر در سطح اجتماعي مطرح مي شود. بر همين اساس 16 آذر نه تنها یک سالگرد تاريخي بلکه حلقه اي مهم و کلیدی در پيشروي جنبش دانشجويي و گسترش اعتراض آزادي خواهانه محيط دانشگاه است. 16 آذر یک سنت سياسي پايدار در به هم پيوستن و متحد گردانیدن دانشجويان که بدل به نقطه عروج خواست تحقق بدون قيد و شرط حقوق بنيادين جنبش دانشجويي گرديده است.

در سالهاي اخير جنبش دانشجويي با تغيير فاز هم در نوع و خصلت مطالبات و هم در عرصه عمل سياسي گسست آشکاري را با تعابير ليبرالي و دو خردادي (فشار از پايين و چانه زدن از بالا و چشم امید داشتن به نزاع هاي قدرت درون طبقات حاکم) تجربه کرده است که نمايانگر تغيير در رويه بازيگران و کنشگران اصلي در عرصه دانشگاه و دست بالا پيدا کردن جريان چپ و راديکال در صحنه کنش سياسي جنبش دانشجويي مي باشد. از 16 آذر هاي سه سال گذشته و قدرت نمائي اين طيف از فعالين دانشجويي تا 16 آذر امسال تغييرات چشمگيري را در محيط دانشگاه شاهد بوديم که حکايت از تغيير صف بندي و توازن قواي نيروهاي سياسي حاضر در دانشگاه دارد. در شرايطي که حاکميت در حال حاضر پروژه سيستماتيک تحميل خفقان در محيط دانشگاه را پيش مي برد و انجمن هاي اسلامي نيز به عنوان بازوان اجرايي اين پروژه به همراه ديگر نهادهاي امنيتي و شبه نظامي دانشگاه در جهت جلوگيري از شکل گيري هرگونه آترناتيوي مخالف و راديکال در دانشگاه و خوش خدمتي به حاکميت گام بر مي دارند و ديگر طيف هاي راست دانشگاه به همراه نمايندگان داخلي و خارجي شان به دليل ترس و ناتواني در سازماندهي هرگونه جنبش اعتراضی پيگير و دخيل بستن به نيروهاي امپرياليستي براي ايجاد تغييرات مطلوب آنها (سياستي که به ور شکستگي و روسوايي نيروهاي حامي آن صحنه مي گذارد) در یک بي افقي و بحران حاد ايدئولوژیک -سياسي دست و پا مي زنند اساساً اين چپ راديکال است که با نمايندگي کردن مطالبات آزادي خواهانه و برابري طلبانه و مخاطب قرار دادن جنبش هاي اجتماعي حاضر در جامعه چون جنبش کارگري، زنان و ... و تلاش در جهت به هم پيوستگي هر چه بيشتري اين جنبش ها پرچم تغييرات راديکال و انساني را در دانشگاه بلند کرده است. اين امر اما چيزي نيست که به صورت مجرد و منتزع از جامعه و روندهاي آن روي داده باشد و در کليت خویش تغيير فاز جنبش هاي اجتماعي و راديکاليزه شدن و قد علم کردن آنها عليه کليت ارتجاع براي ايجاد تغييرات بنيادين در جامعه را نمايندگي و منعکس مي کند.

در سطح پایه ای، جنبش های اجتماعی دموکراتیک حاضر در جامعه در یک پروسه عینی و مشخص حول مطالبات و افقهای طبقات متخاصم جامعه (بورژوازی و پرولتاریا) پلاریزه و بسیج می شوند، تمایزات و تفاوتیهای موجود میان افق ها و آرمانها و خطوط طبقات اجتماعی اصلی در این پروسه برجسته می شوند و انتخاب میان یکی از آنها صورت می گیرد. جنبش دانشجویی نیز متأثر از عینیت جامعه و عروج طیف های رادیکال در سطح اجتماعی در فرایند قطبی شدن جهت تفکیک پلاتفرم ها و نسخه هایی گام بر می دارند که ناگزیر از انتخاب یکی از آنها برای هدایت و رهبری اعتراضات خویش است این امر بیش از هر چیز ارتباط اندامواره این جنبش با جنبشهای دیگر را نشان می دهد. جنبش دانشجویی یک کلیت یکپارچه با مطالبات و خواست های معینی که ناشی از ملزومات نمایندگی کردن جنبش طبقاتی خاص با مکان مشخص در روابط تولیدی باشد، نیست. این جنبش محل تلاقی و برخورد آلترناتیوها و مطالبات جنبش های طبقاتی است که در شرایط سرکوب وسیع ابراز وجود آنها در سطح جامعه محلی بهتر از دانشگاه را برای بیان شفاف و آگاهانه افق نمی یابند. به خاطر همین امر موفقیت جنبش دانشجویان برای مبارزه قدرتمند و پیگیر در جهت تحقق اهداف آزادی خواهانه جز از طریق هژمونی سیاسی- فکری یکی از افق های مبارزاتی طبقاتی حاضر در جامعه ممکن نیست.

فراتر رفتن از دوالیته های ورشکسته ای چون سنت و مدرنیته، آزادی و استبداد در درون گفتمان جنبش دانشجویی و رسیدن به سطح تضادهای مشخص تری چون کاپیتالیزم و سوسیالیسم، چپ و راست، که نسخه اقتصادی و سیاسی مشخص تری را فرا روی جامعه و جنبش دانشجویی قرار می دهد نشان از ورود به فاز جدیدی از دوران فعالیت و بلوغ جنبش و فعالین آن شده است. همواره باید این نکته را برجسته کرد که جنبش دانشجویی به دلیل نوع و سبک فعالیت و عدم تثبیت پایگاه طبقاتی مشخص هیچ گاه نمی تواند به عنوان کارگزار اصلی تحول جامعه از مناسباتی استثمارگرانه و ضد انسانی به مناسباتی انسانی و برابری طلبانه قرار گرفته بلکه همانند جنبش زنان و جنبش جوانان و... باید حول پلاتفرم و آلترناتیو مشخص نیروهای طبقاتی حاضر در متن جامعه پلاریزه شود و در راستای پرنسیبهای طبقاتی مشخصی گام بر دارند. چپ رادیکال می کوشد تا با ملموس تر کردن کنش سیاسی این جنبشها حول منافع و افق طبقه کارگر تعیین سیاسی و طبقاتی آنها را مشخص کند.

پس از وقایع خرداد 85 در آغاز سال تحصیلی جدید فضای خفقان آور را در محیط دانشگاه شاهد بودیم که نشان از عزم جزم حاکمیت در یکدست کردن و خفه کردن صدای آزادی خواهانه و ایجاد فضای رعب و وحشت در دانشگاه می باشد. برخوردهای بی سابقه با فعالین دانشجویی، احضار به کمیته های انضباطی، ستاره دار کردن دانشجویان و ممانعت از ورود دانشجویان اخراجی و تعلیقی به دانشگاه، ایجاد مزاحمت برای دانشجویان به بهانه عدم رعایت پوشش اسلامی، طرح تفکیک جنسیتی سرویس ها و سلف

ها و.... نمایانگر فشار بیشتر حاکمیت برای سرکوب دانشگاه است اما تمامی این سیاستها حتی در کوتاه مدت هم قادر به خاموش کردن شعله اعتراضات دانشجویی نخواهند بود. طیف چپ رادیکال جنبش دانشجویی با تاکید بر اینکه هر گونه تغییر در اوضاع داخلی کشور منوط به دست بالا گرفتن جنبش های مردمی می باشد هر گونه نسخه پیچی از بالا اعم از تلاش برای حفظ ارکان و ارگان های سرکوبگر حکومتی به همراه ایجاد یک روبنای سیاسی طرفدار غرب و حمله نظامی و تحریم اقتصادی را تنها مقدمه چینی برای آغاز تحولی سیاه می داند که سازو کارهای مدنی جامعه و جنبشهای اجتماعی مردمی را به چالش می کشاند. چپ رادیکال از میان برداشتن مناسبات اقتصادی سرمایه داری (بدون هیچ گونه تخفیف) و مشتقات سیاسی و فرهنگی آن (استبداد و ارتجاع) را شرط عبور از وضعیت فلاکت بار امروزی و گذار به شرایطی انسانی و رها از سلطه می داند.

16 آذر امسال باید بیش از پیش صفوف و دانشجویان را در مقابل دژاستبداد مستحکم تر و متشکل تر کند تا هر گونه تعرض به حقوق آنها با قاطعیت پاسخ گیرد و کلیت جامعه یک قدم بزرگ دیگر به سوی رهایی و جامعه ای انسانی و آزاد بردارد.

زنده باد آزادی و برابری